



29 آگست 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

## شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش پنجم

### اولین اقدام:

طوریکه قبلاً تذکر رفت، مکتب حبیبیه به حیث اولین مکتب رسمی در سال 1283 ش (1904م) در شهر کابل در عصر امیر حبیب الله خان سراج الملة تاسیس گردید و بر طبق پروگرام دوره تحصیلی تعلیمی در مکاتب هند و نظر معلمان هندی در کابل دوره تحصیلی در این مکتب به سه مرحله تقسیم گردید: ابتدائیه (پنج سال)، رشدیه (چهار سال) و اعدایه (سه سال) و یک سال نیز بنام "تهیه" بر آن علاوه گردید که جمعاً 12 سال را در بر میگرفت. از جمله اولین دسته شاگردان که در همان سال تاسیس به صنف اول ابتدائیه آن مکتب شامل شده بودند، فقط تعداد 19 نفر توانستند دوره مکمل 12 ساله را در خزان سال 1297 ش (حوالی نوامبر 1918م) موفقانه به پایان رسانند و به حیث اولین گروپ تحصیل یافتگان مکتب حبیبیه سند فراغت "بکلوریا" را حاصل دارند.

توقع میرفت که این دسته فارغان فوری به ماموریت دولت مقرر شوند، اما به دلیل آنکه در همان وقت مکتب حبیبیه بوسیله مخالفان معارف و روی عقده های شخصی به حیث مرکز "مشروطه خواهی" شهرت یافته بود و رویداد سوء قصد بجان امیر حبیب الله خان را نیز به فعالیت های همین گروپ ربط داده بودند، امیر در مورد مقرری این فارغان دچار شک و تردید شده بود، لذا این فارغان تا چند ماه بدون سرنوشت و بیکار ماندند. امیر در اول حوت 1297 در شکارگاه کله گوش به شهادت رسید و در نتیجه برای یک هفته دو پادشاه یکی - در جلال آباد و دیگری در کابل مدعی سلطنت شدند؛ تا آنکه بتاريخ 10 حوت پس از انصراف سردار نصرالله خان از سلطنت، شهزاده امان الله جانشین پدر و پادشاه کشور گردید.

هنوز سه هفته از اعلام سلطنت اونگدشته بود که شاه جدید نه تنها فرمان رهایی یک تعداد کسانیرا که به اتهام "مشروطه خواهی" و نیز توطئه علیه امیر (حق و یا ناحق) زندانی شده بودند، صادر کرد، بلکه اکثر آنها را فوری به بعضی مقام های بلند حکومتی مقرر نمود و در عین زمان فارغان مکتب حبیبیه را که در حال بی سرنوشتی و انتظار قرار داشتند، بکار گماشت. استاد وکیلی پولزائی در این مورد اشاره به فرمانی میکند که بتاريخ اول حمل 1298 ش مبنی بر تقرر این فارغان در دستگاه دولت از طرف شاه امان الله صادر گردید، از اینقرار:

- 1 - فیض محمد خان ولد سردار گل محمد خان (بعداً متخلص به زکریا)، مستشار هیئت سفارت فوق العاده بجانب مسکو و اروپا؛
- 2 - سلطان احمد خان ولد سردار شیر احمد خان کرنیل (بعداً متخلص به شیرزوی)، مستشار سفارت افغانی در مسکو؛
- 3 - محمد اسحق خان (بعداً مشهور به معین صاحب)، معاون نظارت امور خارجی؛
- 4 - عزیز الرحمن خان ولد حافظ عبدالرحمن خان (بعداً متخلص به فتحی)، معاون سفیر افغانی در مسکو؛
- 5 - حافظ انور علی خان ولد حافظ منشی حیدر علی خان احراری، نگران تحلیل طلا و نقره در ضرابخانه کابل؛
- 6 - حبیب الرحمن خان ولد حافظ عبدالرحمن خان، نگران تحلیل طلا و نقره در ضرابخانه کابل؛
- 7 - غلام غوث خان ولد میرزا غلام محمد خان، 8 - محمد خان، 9 - عبدالصمدخان و 10 - سیدهاشم خان (هر چهار نفر مذکور برای فراگرفتن دروس حقوق بین الدول نزد موسیو براون که به حیث کاردار سفارت شوروی در کابل آمده بود، معرفی شدند؛

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په څیر و لولئ

- 11 - محمد سعید خان ولد مولوی زین العابدین خان برای فرا گرفتن تلگراف بی سیم به تاشکند اعزام گردید؛
- 12 - عبدالجبار خان ولد عبدالواحد خان پوپلزائی، ترجمان اردو و انگلیسی در اداره جریده امان افغان؛
- 13 - فضل احمد خان ولد میرزا فیض محمد خان، منیجر اداره جریده امان افغان؛
- 14 - عبدالغفار خان ولد عبدالواحد خان پوپلزائی، معلم مکتب حبیبیه؛
- 15 - غلام حیدر خان ولد علی حیدر خان، معلم مکتب حبیبیه؛
- 16 - غلام رسول خان ولد...، معلم در دارالمعلمین،
- 17 - محمد بشیر خان ولد منشی محمد نذیر خان هندی، سرمدرس مکتب ریزه کوهستان سمت شمالی.
- در لست فوق اسم دو نفر ذیل از قلم افتاده که پوپلزائی در کتاب دیگر خود از آنها نام برده است، هریک:
- 18 - علی محمد خان بدخشی (متخلص به آدینه بعدها در مقامات علیه کشور تا معاونیت صدارت ارتقا کرد)؛
- 19 - محمد نبی خان.

و نیز بسیار نردیگراز طلاب صنوف اعدایه و رشديه به کارها مقرر شدند و از جمله هشت نفر به زیردستی مستری عزیزالله خان برای جاری نمودن برق مؤظف شدند. (وکیلی پوپلزائی: "سلطنت امان الله شاه و..."، جلد اول، صفحه 227)

مقصد از ذکر اسمای فوق آنست که با تعدادی از اولین گروپ فارغان "بکلوریا" از مکتب حبیبیه آشنائی بعمل آید و نیز نشان داده شود که شاه امان الله تا چه حد به تعلیم و تعلیم یافتگان ارج میگذاشت و شمول آنها را در مقامهای حساس و مهم یک ضرورت مهم میدانست. سویه درسی این فارغان در زبانهای دری، انگلیسی و اردو و نیز در معلومات عمومی علوم جدید به شمول ریاضی و ساینس و علوم اجتماعی و دینی به اندازه کافی بود که همه آنها توانستند از عهده کارهای محوله بخوبی بدر شده و به حیث پیشتازان معارف کشور شناخته شوند.

### تشکیل "وزارت معارف":

طوریکه قبلاً تذکار یافت، با تأسیس مکتب حبیبیه در سال 1283ش در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان سراج اداره امور بدوش سردار نصرالله خان نائب السلطنه واگذار شده بود و او اداره امور مکتب را بنام "انجمن معارف" زیر نظر سردار عنایت الله خان معین السلطنه تشکیل کرد که در آن یک تعداد معلمین مکتب حبیبیه و بعضی از علمای آنوقت عضویت داشتند تا برنامه درسی آن مکتب را تدوین و نظارت نمایند. وقتی شاه امان الله در 10 حوت 1297 به سلطنت رسید، همه ادارت حکومت قبلی را ملغی کرد و تشکیلات جدید عصری را رویکار آورد که مشتمل بر 10 اداره بود و هریک بنام "نظارت خانه" یاد می شد که در راس هریک آن یک امر بنام "ناظر" مقرر گردید: نظارت حریبه، نظارت امور خارجی، نظارت مالی، نظارت داخلی، نظارت زراعت، نظارت تجارت، نظارت عدلیه، نظارت امنیه، نظارت نقلیات و نظارت دربار. در جمله این تشکیلات جدید جای نظارت معارف خالی بود، اما اداره بنام "دارالامان معارف" تأسیس گردید و سردار عبدالرحمن خان (پسر سردار عبدالوهاب خان پسر سردار میرافضل خان) که پدرش از یاران سردار محمدایوب در جنگ میوند بود و برای مدت چند سال در تبعید در ایران بسر می برد و در برگشت در عصر سراجیه به نائب الحکومگی ترکستان و سپس به حیث "امین المکاتیب" در دربار امیرگماشته شد و چون عبدالرحمن خان با برادرش در سالهای اخیر امیرحبیب الله خان سراج به اتهام فعالیت های ضد امیر زندانی شده بود، در آغاز سلطنت شاه امان الله از زندان رها و در راس آن اداره مقرر شد، اما پس از مدت کوتاهی او به حیث سفیر افغانستان به هند توظیف گردید و بجایش ایشک آقاسی عبدالحبیب خان بارکزائی که در گذشته از جانب نصرالله خان نائب السلطنه به حیث رئیس تفتیش مدارس اجرای وظیفه میکرد، مقرر شد.

قابل ذکر است که عبدالحبیب خان از همکاران نزدیک سردار نصرالله خان و هنگامیکه سردار در جلال آباد اعلام سلطنت کرد، او با دو کاکای خود هریک دوست محمد خان مشهور به "ناظم" و خواجه محمد خان که هر دو از افسران عالی رتبه نظامی بودند، به نصرالله خان بیعت نمودند که اینکار موجب رنجش خاطر شاه امان الله از آنها گردید و مؤقتاً آنها را زندانی کرد، ولی بزودی به پاس خدمات دیگر اعضای خانواده از جمله برادرش محمود خان (مشهور به یاور) و عبدالعزیز خان بارکزائی (بعداً وزیر حریبه و وزیر داخله - یکی از بنی اعمام او) از حبس رها و در سال 1298ش به حیث ناظر معارف مقرر گردید و به همین ترتیب دو کاکایش نیز مورد عفو قرار گرفت و به رتب بالاتر ارتقا کردند. (در مبحث گذشته از سه خانواده تبعیدی، پس از برگشت شان بوطن از خانواده های سردار

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

یحیی خان "یحیی خیل"، محمود طرزی و نیز خانواده "شاغاسی خیل" نام بردم، دوست عزیز بوسیله تلیفون از اینجانب طالب معلومات بیشتر در مورد خانواده اخیرالذکر گردید که در ذیل این بخش به حیث پاورقی معلومات بسیار مختصر درباره تقدیم میگردد\*).

هنور چند ماه از مقرری عبدالحبیب خان در مقام ناظر معارف نگذشته بود که به دلیل اخلاصمندی او به سردار نصرالله خان از نظارت معارف سبکدوش و به قندهار در کار دیگر تبدیل شد و سردار محمد سلیمان خان (سابق نائب الحکومه هرات) پسر ارشد سردار محمد آصف خان در اوایل سال 1299 ش در راس امور معارف مقرر گردید.

در اول حمل 1300 ش وقتی نظارت خانه ها به "وزارت خانه ها" تغییر نام یافتند و نظارت معارف مثل سائر نظارت خانه ها به نام "وزارت معارف" مسمی شد، محمد سلیمان خان به حیث اولین "وزیر معارف" در تاریخ معارف کشور شناخته شد. پس از محمد سلیمان خان برای مدت کوتاه هدایت الله خان به این مقام رسید و از سال 1303 ش (1924 م) به بعد تا ختم سلطنت امانی فیض محمد خان زکریا وظیفه وزارت معارف را به حیث وزیر بدوش داشت که موصوف در این مقام در راه انکشاف معارف خدمات با ارزشی انجام داد.

### تأسیس "انجمن معارف" - طراح پالیسی انکشاف معارف:

تأسیس این انجمن اولین اقدامی بود که در جوزای 1299 ش (جون 1920) زیر نظر محمد سلیمان خان شروع بکار کرد که در واقع تهداب اصلی انکشاف معارف در آن وقت در ساحات مختلف به وسیله همین انجمن گذاشته شد. با آنکه انجمنی به عین نام در وقت امیر شهید نیز تأسیس گردیده بود، ولی ساحه فعالیت آن متفاوت بود، چنانچه در قبلی همه اقدامات درسی فقط دور محور مکتب حبیبیه می چرخید، در حالیکه انجمن جدید معارف ساحات وسیعتر معارف را احتوا میکرد که شامل بر پیشنهادها و اقدامات ذیل بود: طرح پروگرام تعلیمات ابتدائی، انتخاب کتاب ها اعم از تألیف و یا ترجمه برای پروگرام فوق، تقسیم کار و تعیین مامورین و ترتیب وظایف شان، تهیه پروگرام جدید برای دارالمعلمین ابتدائی، ترتیب پروگرام برای تعلیمات رشدیه و تهیه کتب مربوطه، تهیه پروگرام برای مدرسه علوم دینی و شرقیه، ایجاد مکاتب السنه خارجی، ایجاد مکتب صنایع نفیسه، تعیین شرایط اعزام شاگردان به خارج، تهیه پروگرام درسی برای شاگردان اعدادیه در خارج و داخل و تحصیلات بالاتر مسلکی در داخل و خارج، تهیه نظامنامه عمومی مکاتب ابتدائی، ترتیب نظامنامه جدید برای مکتب حبیبیه، تجویز برای جمع آوری اعانه عمومی برای معارف، غور بر تعلیم انانث و در نهایت تجویز برای تأسیس مکاتب در شهرهای کلان و ولایات کشور. (برای شرح مزید دیده شود - وکیلی پوپلزائی: "فرهنگ کابل باستان"، جلد اول، صفحه 893 - 894)

در این انجمن که تحت ریاست محمد سلیمان خان تشکیل گردیده بود، به تعداد 19 نفر از بزرگان آنوقت عضویت داشتند: سردار محمد عزیز خان (برادر نادرخان و پدر محمد داود شهید)، شیر احمد خان ایشک آقاسی نظامی سابق، داکتر عبدالغنی پنجابی، حسن حلمی متصدی مرکز خطاطی و حکاکی، محمد اسحق خان معاون نظارت امور خارجیه، کرنیل عبداللطیف خان پوپلزائی، سید محمد قاسم خان مشاور انجمن، قاضی محمد غوث خان، علی محمد خان آدینه، قاری عبدالله خان، غلام محمد خان مصور (رسام)، محمد اسمعیل خان معاون سرمحرر جریده امان افغان، واجیب سنگه کابلی، ملا آقا بابا از چنداول کابل، عبدالهادی خان داوی سرمحرر جریده امان افغان، مولوی غلام محی الدین خان سررشته دار دارالمعلمین و نور محمد خان کاتب انجمن. (برای شرح مزید دیده شود - مأخذ بالا...، صفحه 898)

به اساس پیشنهادهای این انجمن و تائید شاه امان الله غازی اقدامات عملی مقدماتی در ساحات ذیل رویدست گرفت شد:

- 1 - تأسیس مکاتب جدید که بعداً در جوار مکتب حبیبیه در کابل بنامهای: مکتب امانی و مکتب امانیه و نیز مکتب مخصوص ملکزاده های سمت جنوبی؛
- 2 - تأسیس مکاتب مسلکی بنامهای: مکتب اصول دفتری، مکتب حکام، مکتب السنه، مکتب صنایع نفیسه...؛
- 3 - تأسیس مکاتب ابتدائی و رشدیه در بعضی شهرها و مراکز ولایات؛
- 4 - تأسیس انجمن علمی بنام "پشتو مرکه" جهت تقویه زبان پشتو؛

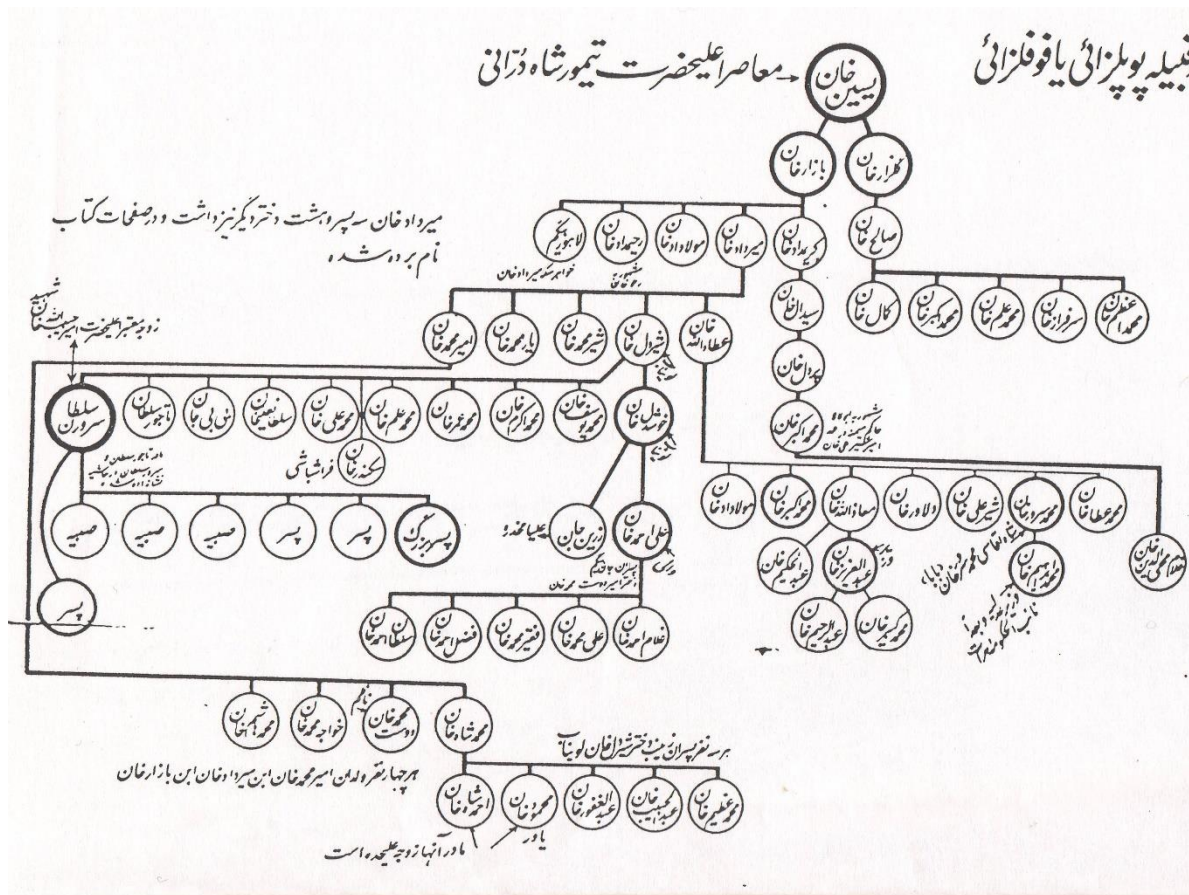
د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په ځير و لولئ

- 5 - تأسیس مدارس دینی و دارالحفاظ؛
- 6 - تأسیس مکاتب نسوان در شهر کابل،
- 7 - اعزام تعدادی از شاگردان صنوف رشدیه و اعدایه مکتب حبیبیه جهت تحصیل به خارج؛
- 8 - انکشاف دارالمعلمین؛
- 9 - اعزام یک تعداد افسران نظامی به هدف تحصیلات مسلکی، بخصوص در رشته هوائی به خارج؛
- 10 - تهیه نظامنامه ها برای انکشاف معارف؛
- 11 - فراهم آوری زمینه های ورود معلمین از کشورهای اروپائی بخصوص از جرمنی و فرانسه و نیز تعدادی از کشور ترکیه و اقدامات دیگر که هر یک بعداً به تفصیل در ادامه این نوشته بیان خواهد شد.

(ادامه دارد)

\*مختصر معرفی "خانواده" شاغاسی خیل":



قابل توجه: در ردیف فرزندان محمد شاه خان اسم یک فرزند دیگر او بنام محمد زبیرخان فراموش استاد وکیلی پوپلزائی گردیده که باید در چارت فوق به شمار فرزندان موصوف علاوه شود - داکتر کاظم

د پانیو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

از چارت فوق که بوسیله استاد وکیلی پوپلزائی در جلد دوم کتاب "تیمورشاه درانی" درج گردیده، در ضمن پس از معرفی خانواده یاسین خان از کارنامه های اخفاد این خانواده بزرگ در عصر امیرشیرعلی خان و بعد از آن شرحی لازم ارائه شده است، بخصوص از نقش مهم و برجسته شاغاسی شیردل خان لویناب و پسر ارشد او شاغاسی خوشدل خان لویناب (پدر والی علی احمد خان) در آن عصر بیشتر یاد گردیده، چنانکه حضور شیردل خان به حیث یک شخصیت با نفوذ و شاغاسی خاص امیر و همه کاره دربار به حدی بود که در سفر و حضر و حین مذاکرات رسمی در جوار امیر حاضر و همراه بود و امیر به او اعتماد کامل داشت. جریان فعالیت های نظامی شیردل خان و پسرش شاغاسی خوشدل خان در جنگ های متعدد در برابر شهزاده عبدالرحمن خان (بعداً امیر) در کتاب "پادشاهان متأخر افغانستان"، تألیف میرزا یعقوب علی خان خافی، (جلد اول و دوم) به تفصیل ذکر شده است. لویناب شیردل خان از ازدواج های دیگر خود هفت پسر و یک دختر دیگر نیز داشت به نامهای ذیل: خوشدل خان، محمد یوسف خان (درجنگ قندهار درمقابل انگلیس ها شهید شد)، محمد اکرم خان، محمد عمرخان، محمد علم خان، سکندر خان (فراشبانی)، محمد علی خان و سلطان علی خان و دخترش مسماء زینب مشهور به بی بی جان که بعداً به عقد برادر زاده او محمدشاه خان پسر امیر محمد خان درآمد.

در اینجا قابل یادآوریست که خوشدل خان لویناب با سه برادر خود هریک سکندر خان فراشبانی، محمد اکرم خان و سلطان علی خان (پسران لویناب شیردل خان) درجنگ میوند با سردار محمد ایوب خان علیه انگلیسها اشتراک فعالانه داشتند و بعداً وقتی سردار ایوب خان در برابر امیرعبدالرحمن خان در جنگ قندهار شکست خورد و نخست به ایران رفت و از آنجا انگلیس ها او را با همه همراهانش در هند برتانوی تبعید کردند، پسران فوق الذکر شیردل خان برای چندین سال در تبعید بسر بردند تا بعداً هریک به وطن برگشتند.



شیردل خان شاغاسی در عقب امیرشیرعلی خان با ریش انبوه و کلاه نظامی سیاه و شمشیر بدست حین سفر رسمی امیر به دعوت ویسرای هند بتانوی در امباله (هند) در سال 1869م

شاغاسی شیردل در عهد امیر شیرعلی خان وقتی به حیث لوی نایب (لویناب) حاکم کل ترکستان افغانی (مشمول بر هفت ولایت موجود کشور در شمال) مقرر شد، در سن بالا آرزومند ازدواج با خانم جوانتر بنام "بینظیر سلطان" بنت سردار محمد عمر خان (خواهر سردار فقیر محمد خان) از احفاد عبدالله خان دیوان بیگی پوپلزائی شد که به تقاضای امیرشیرعلی خان این ازدواج صورت گرفت و از بطن این خانم دو دختر به دنیا آمدند: بنامهای: سرور سلطان و تاجور سلطان.

وقتی شیردل خان در سال 1254ش (1875م) در مزار شریف وفات کرد، خانم جوان با دو دختر صغیر از او باقی ماند که خانم جوان برسم قدیم و عنعنه افغانی باید در عقد یکی از وابستگان نزدیک شوهر در می آمد. بعد از مشوره های خانوادگی محمد سرور خان (پسر عطا الله خان برادر لویناب شیردل خان) حاضر شد خانم جوان کاکای خود ان را محض جهت سرپرستی و بجا کردن عنعنه به عقد خود در آورد و به این اساس دو دختر خورده سال شیردل خان او را به حیث پدر (ناسکه) به لقب "بابا" خطاب میکردند. به همین دلیل محمد سرور خان که شخصیت بزرگوار و

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

محترم کشور بود، نزد همه به "بابای کرام" شهرت یافت. بعدها وقتی دختران پا به جوانی گذاشتند، امیر عبدالرحمن خان بر طبق پالیسی آشتی خواهانه خود خواستار ازدواج "سرور سلطان" با شهزاده حبیب الله خان پسر خود (بعداً امیر) گردید که این ازدواج در سال 1267 ش (1888) صورت گرفت. بعد از رسیدن حبیب الله خان به سلطنت، ملکه سرور سلطان به حیث ملکه مقرب امیر ملقب به "علیا حضرت سراج الخواتین" شد و از بطن او دو پسر: شهزاده امان الله خان و شهزاده عبیدالله خان (ملقب به شاه آقا) و سه دختر به نامهای: سائره (سراج البنات)، صفیه (ثمر السراج) و راضیه سلطان (نورالسراج) به دنیا آمدند.

از جمله برادران شاغاسی شیردل خان یکی هم امیرمحمد خان بود که چهار پسر داشت: محمد شاه خان، دوست محمد خان (ناظم)، خواجه محمد خان و محمدهاشم خان. محمد شاه خان بعداً با دختر کاکای خود شیردل خان مسماء زینب ازدواج کرد که سه پسر بنامهای: محمد عظیم خان، عبدالحبیب خان و عبدالغفورخان حاصل این ازدواج بود. محمدشاه خان از خانم های دیگر خود سه پسر داشت هریک: محمود خان (بعداً مشهور به یاور که در رسیدن شاه امان الله به سلطنت و ختم غایله جلال آباد نقش بس بزرگ بازی کرد و بسیار مقرب شاه امان الله بود) و برادرش احمد شاه خان (مشهور به رئیس) از یک مادر و نیز پسر دیگرش محمد زبیر خان نام داشت.

طوریکه از چارت فوق بر می آید: عبدالعزیزخان بارکزائی (نخست یاور شاه امان الله و سپس وزیر حربیه و داخله) از معتمدان دیگر شاه امان الله نیز منسوب به همین خانواده است، اما او نواسه عطاالله خان برادر شیردل خان و پسر معاذالله و برادر زاده محمد سرور خان (مشهور به بابای کرام) میباشد. به این اساس دیده میشود که علیا حضرت از حمایت تعداد کثیر اقوام پدری خود بطور جدی برخوردار بود و شاه امان الله نیز بر ماماهاى خود بسیار اعتماد داشت، اما شاه امان الله با بعضی از برادران محمد شاه خان از جمله ناظم دوست محمد خان و خواجه محمد خان و یکی از فرزندان او یعنی عبدالحبیب خان (که رابطه پسر خالگی نیز با شاه امان الله داشت)، به دلیل نزدیکی آنها با سردار نصرالله خان و بیعت به موصوف آزرده خاطر بود که بحث مزید در اینجا نمی گنجد. اما باید خاطر نشان ساخت که پسران و احفاد لویناب شیردل خان تخلص های جداگانه برای خود انتخاب کردند و تنها خانواده امیر محمد خان تخلص خانوادگی خود را "شاغاسی" برگزیدند و امروز آنها به نام آن خانواده یاد میشوند که بیشترین شان در گذرگاه و قلعه شهاده مربوط چهاردهی کابل سکونت داشته و هریک در آنجا مالک قلعه و املاک بودند. این بود مختصر معلومات در مورد خانواده شاغاسی شیر دل خان لویناب و برادران و احفادشان که البته این خانواده بعد از سقوط سلطنت شاه امان الله بخصوص در دوره سلطنت محمد نادرشاه به دلیل رقابت های قبلی خانوادگی و حمایت از شاه امان الله مغضوب و همه آنها از کار دولتی محروم ساخته شدند و حتی حق تحصیل از فرزندان شان تاحدی سلب گردید. به دلیل نقش این خانواده بزرگ در تاریخ معاصر کشور در نظر دارم ضمن یک رساله جداگانه (اگر عمر باقی بود)، به تفصیل شرحی مستند تقدیم دارم. نا گفته نماند که محترم جناب کاندید اکادیمسین اعظم سیستانی در این باره در کتاب "سه خانواده بزرگ قندهاری" مطالبی با ارزشی نوشته است که سالها قبل آنرا مطالعه کرده بودم. در این کتاب در ارتباط با این خانواده بعضاً نکاتی ناشی از نقل قول های ضعیف و نیز اشتباهاتی وجود دارند که ایجاب تصحیح را مینمایند. امید است با شرح مختصر فوق به سؤال آن دوست عزیز در باره خانواده "شاغاسی خیل" و شخصیت عالی مقام آن خانواده شاغاسی شیردل خان بارکزائی و خانواده بزرگ او جواب لازم ارائه کرده باشم. (داکتر کاظم)

د پانوی شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولی